

راهبردهای مشارکت سازمانهای مردم نهاد در فرایند کیفری*

(نقد و تحلیل ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری)

مصطفی چکنی^۱ محمد حسن حسنی^۲

چکیده

زمینه و هدف: آموزه های عدالت ترمیمی، مسئولیت کیفری را به مسئولیت مدنی نزدیک می سازد یعنی بیش از اصل اجرای مجازات بر اصل جبران خسارت تاکید دارد لذا فرایندهای اجباری و یک جانبه عدالت سزا دهنده باید به فرایندهای داوطلبانه، توافقی و در جهت آشتی و سازش تغییر یابند، میزان موفقیت این فرایندها مستلزم تقویت نهاد های مردمی و حس مسئولیت پذیری جمعی و مشارکت تمامی کنشگران جامعه مدنی است. روش: در این مقاله سعی شده است با روش توصیفی - تحلیلی اسناد و منابع، نقش واکنشی سازمانهای مردم نهاد در سیاست جنایی مشارکتی ایران در فرایند کیفری تشریح شود در این راستا به راهبردهایی که قانونگذار در قانون آئین دادرسی کیفری جدید مد نظر دارد نیز توجه شده است. یافته ها و نتایج: پژوهش ها نشان داده که سازمانهای مردم نهاد هم از منظر "سیاست جنایی مشارکتی" و هم از منظر تحقق "اصول دادرسی منصفانه" هم چنین از نظر تحقق و توازن "اصول راهبردی آئین دادرسی کیفری" یعنی اصول راهبردی ناظر به حمایت از حقوق جامعه (اصل کشف حقیقت و اصل سرعت در رسیدگی) و اصول راهبردی ناظر به حمایت از حقوق افراد (اصل برائت و اصل حقوق دفاعی) می توانند نقش مهمی در فرایند کیفری ایفا نمایند. در این مقاله سعی شده است ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری و ذینفع بودن این سازمانها در فرایند کیفری مورد نقد و تحلیل قرار بگیرد امید است ماده ۶۶ با بی مهری رویه قضایی مواجه نشود.

واژگان کلیدی: عدالت ترمیمی، سازمانهای مردم نهاد، سیاست جنایی، بزه دیده، ذینفع.

* تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۲۵ تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۲۰

chekany@yahoo.com

۱ - دانشجوی دوره دکتری حقوق جزا و جرم شناسی

۲ - استادیار دانشگاه دامغان.

۱- مقدمه

گفتار اول : تعریف و مفهوم شناسی

ارائه تعریفی جامع و مانع از سازمانهای مردم نهاد قدری مشکل است زیرا این سازمانها افزون بر اشتغالات متعدد (همچون حقوق بشر ، محیط زیست ، توسعه و غیره) دارای منشا پیدایش متعدد نیز هستند . تعاریف متعددی از سازمانهای مردم نهاد بعمل آمده که برخی ویژگی "خصوصی بودن" و برخی ویژگی "غیر انتفاعی بودن" را برجسته ساخته اند و برخی بجای کلمه " سازمان " از کلمه "نهاد" برای بیان این مفهوم استفاده کرده اند .

به عقیده برخی دو اصطلاح " نهاد " و " سازمان " را نمی توان بجای هم بکار برد زیرا "نهاد" اعمال منظم و مداوم می باشد که منبعث از الگوی عقیدتی ، فکری و رفتاری است که برای رفع نیازهای یک سازمان (همانند نهاد شورای امنیت سازمان ملل متحد) و یا جامعه (همانند نهاد خانواده و دولت) به کار می رود در مقابل سازمان ، نهادهای هماهنگ اعضای یک مجموعه انسانی است که برای دستیابی به اهداف معین ، سازماندهی می شوند . بنابراین در عرصه ادبیات برای بیان " گروههای مردم نهاد " بهتر است روی دو متغیر تاکید کنیم که یکی از آنها " سازمان " و دیگری " غیر دولتی " است لذا تعریفی در این عرصه معنی دار خواهد بود که آن دو را پوشش دهد . بنابراین سازمانهای غیر دولتی " به مجموعه از افراد حقیقی گفته می شود که جهت دستیابی به اهداف مشترک ، تلاشهای خود را هماهنگ می سازند و از یک شخصیت حقوقی ، حقوق خصوصی برخوردار می باشند " (امیر کواسمی ، ۱۳۸۸ ، صص ۱۸ و ۱۹) .

برای این سازمانها ، نام هایی چون "سازمانهای غیر دولتی یا " سازمانهای مردم نهاد " (سمن) و یا حتی نام اختصاری انگلیسی آن یعنی NGO (organization Non Governmental) هم بکار می رود (رضانی قوام آبادی ، ۱۳۹۴ ، ص ۵۴۲) .

در شورای واژه گزینی فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی اصطلاح (Non Governmental organization) به صورت اختصاری NGO و با مفهوم " سازمانی که بدون وابستگی های اداری و مالی به دولت برای تامین منافع عمومی فعالیت می کند " مطرح و در نهایت معادل " سازمان های مردم نهاد " با صورت اختصاری "سمن" به تصویب رسید .

در ماده یک آئین نامه تشکل های مردم نهاد مصوب هیات وزیران منتشر شده در روز نامه رسمی شنبه ۱۳ شهریور ماه ۱۳۹۵ سال هفتاد دو شماره ۲۰۸۲۴ "نهاد مدنی" اینگونه تعریف شده است : ماده یک : " نهاد مدنی نهاد غیر دولتی است به منظور فعالیت در راستای توسعه اجتماعی ، فرهنگی و سیاسی ایجاد شده یا می شود." علاوه بر " غیر دولتی بودن " که در ماده یک به آن اشاره شده در ماده ۳ این آئین نامه به "غیر سیاسی بودن " و "غیر انتفاعی بودن " بعنوان ویژگی های این نهاد اشاره شده است .

گفتار دوم : علل رشد سازمانهای مردم نهاد

به لحاظ زمانی رشد فزاینده سازمانها یا گروههای غیر دولتی از اواخر دهه هشتاد میلادی رخ داده است ، در خصوص اینکه چرا چنین گروههایی اخیرا رشد فزاینده داشته اند مطالعات دقیقی صورت نگرفته است و رویکرد واضحی وجود ندارد و

برخی علت این امر را محصول دو انقلاب انفور ما تیک و رشد طبقه متوسط و چهار بحران در حوزه های توسعه ، دولت رفاه ، فرو پاشی بلوک شرق و محیط زیست می دانند . (امیر کواسمی ، ۱۳۸۸ ، ص ۱۷۷) .

در خصوص عملکرد این نوع نهادها نیز در بین متفکرین هم آوایی وجود ندارد یک سری از صاحب نظران آن را وسیله توسعه می بینند . عده ای با توسل به گفتمان "کوچک زیبا است " آنها را پیامد کوچک شدن دولت می دانند . و نهایتا اندیشمندانی نیز جنبش این نوع سازمانها را موج سوم دمو کراسی قلمداد می کنند و آن را تکامل و توسعه این مدل سیاسی ارزیابی می نمایند . (همان مرجع ۱۷۶) .

امروزه دولتهایی در عرصه جهانی جایگاه برتری دارند که دموکرات تر و حوزه دخالت آنها در امور شهروندان کمتر و مشارکت افراد در آن جوامع پویا تر و چشمگیر تر باشد از آن روی به متغیر های تاثیر گذار بر امر مشارکت اجتماعی از جمله ساز مانهای غیر دولتی توجه بیشتری شده است (قلیجایی ، ۱۳۹۰ ، ص ۱۳۱) . در حوزه مسائل حقوقی بویژه حقوق کیفری ، نقش نهادهای مردمی پیشتر نقش کنشی بود (در امور پیشگیری نمایان می شد) لیکن امروزه این نهادها در کل فرایند کیفری از مرحله کشف جرم تا مرحله اجرای حکم نقش اساسی ایفا می کنند و دارای نقش واکنشی می باشند بطوریکه امروزه برخی نهادهای مردمی را در امر کیفری "دادستان خصوصی " یا "شبه دادستان " می نامند .

گفتار سوم : ویژگیها و منشا پیدایش سازمانهای مردم نهاد

نکته قابل توجه در خصوص ویژگیهای سازمانهای مردم نهاد این است که هر چند این سازمانها از نظر منشا پیدایش و اهداف و همچنین عرصه های فعالیت

جغرافیایی و عملکرد با یکدیگر قابل جمع نیستند لیکن عمدتا وجوه مشترکی دارند از جمله: غیر انتفاعی و غیر دولتی و غیر سیاسی هستند.

منظور از "ویژگی غیر دولتی" طبق تبصره ذیل ماده یک آئین نامه تشکل های مردم نهاد مصوب ۱۳۹۵/۶/۱۳ اشاره به چند نکته می باشد:

الف: عدم وابستگی به دولت و نهادهای حاکمیتی

ب: عدم دخالت دولت و نهادهای حاکمیتی در تاسیس، اداره و استمرار

ج: عدم فعالیت مقامات و مسئولان و کارکنان دولتی و نهادهای حاکمیتی با استفاده از جایگاه حقوقی خود به عنوان موسس یا عضو است.

منظور از ویژگی "غیر انتفاعی" طبق تبصره یک ماده ۲ آئین نامه تشکل های مردم نهاد مصوب ۱۳۹۵: "... عدم برداشت مستقیم یا غیر مستقیم سود و سایر منافع اقتصادی حاصل از انجام فعالیت ها به نفع اعضا، موسسات، مدیران و کارکنان یا افراد وابسته به آنان است."

هدف از تاسیس سمن ها کسب سود نیست بلکه این گونه سازمانها غیر انتفاعی هستند و همین ویژگی غیر انتفاعی، سمن ها را از شرکت های تجاری که به دنبال کسب سود و انتفاع هستند جدا می کند عدم سود ببری، داوطلبانه بودن و عام المنفعه بودن فعالیت های سازمان های غیر دولتی یکی از معیار های مهم برای شناخت آنها از بعضی از نهادهای دیگر همچون شرکتهای فراملی می باشد (بیگ زاده، ۱۳۷۴، ص ۳۰۱).

منظور از ویژگی "غیر سیاسی" طبق قسمت اول تبصره یک ماده ۲ آئین نامه تشکل های مردم نهاد یعنی "نداشتن فعالیت سیاسی موضوع قانون فعالیت احزاب،

جمعیت ها و انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰... می باشد ورود سمن ها به کارهای سیاسی نه تنها موجب دور شدن آنها از اهداف اصلی سازمان خواهد بود بلکه آنها را همانند احزاب سیاسی معرفی خواهد کرد .

از نظر منشا پیدایش ، تشکیلات غیر دولتی از سه منبع مختلف "بالا" یعنی از طریق فرامین دولتی ، از "پایین" یعنی بوسیله جنبش های خود جوش مردمی و از "بیرون" یعنی تحت تاثیر کنش های فرهنگی و یا متاثر از فشارهای نهاد هایی همچون کلیسا و غیره شکل می گیرند (امیر کواسمی ، ۱۳۸۸ ، ص ۱۷۸) .

گفتار چهارم : قوانین و مصوبات مرتبط با سمن ها در ایران

قوانین و مقررات زیادی در نظام حقوقی ایران وجود دارد که در آنها به صورت مستقیم و غیر مستقیم از مشارکت و فعالیت سمن ها سخن به میان آمده است که در ذیل به آنها اشاره می شود :

- ۱- اصل ۲۶ قانون اساسی مصوب ۱۳۵۸ با اصلاحات سال ۱۳۶۸
- ۲- ماده ۵۸۴ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱
- ۳- ماده یک آئین نامه ثبت تشکیلات و موسسات غیر تجاری مصوب ۱۳۳۷
- ۴- قانون فعالیت احزاب ، جمعیت ها ، انجمن های سیاسی ، صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰ و آئین نامه اجرایی آن مصوب ۱۳۶۱
- ۵- مصوبه نحوه تشکیل و تاسیس انجمن های علمی ، ادبی و هنری شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب ۱۳۷۰
- ۶- قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱

۷- آئین نامه اجرایی تاسیس و فعالیت سازمان های مردم نهاد مصوب ۱۳۸۴

۸- قانون حمایت از حقوق مصرف کننده (ماده ۱۲) مصوب ۱۳۸۸

۹- ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲۱۰

۱۰- آئین نامه تشکل های مردم نهاد مصوب ۱۳۹۵/۶/۱۳

۲- راهبردها و نقش سازمانهای مردم نهاد در فرایند آیین دادرسی کیفری

گفتار اول : راهبردهای مشارکت سازمان های مردم نهاد در فرایند کیفری

به نظر می رسد با توجه به رویکرد تقنینی اخیر در قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ برای تحقق راهبردهای زیر از ساز و کار " سازمانهای مردم نهاد " استفاده شده است :

بند اول) راهبرد تحقق اصول حمایت از منافع جامعه و اصول حمایت از منافع افراد

با توجه به اصول راهبردی آیین دادرسی کیفری می توان گفت ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری (سازمانهای مردم نهاد) یکی از سازو کارهایی است که در جهت تحقق "اصل حقوق دفاعی " در جهت تامین منافع افراد(مثل بزه دیدگان خاص زنان ، کودکان و غیرو) هم در جهت تحقق " اصل کشف حقیقت " (جرائمی که قربانی خاص ندارند مثل جرایم علیه محیط زیست) که جزو اصول راهبردی ناظر به حمایت از افراد و جامعه می باشد به تصویب رسیده است توضیح اینکه اصول راهبردی آئین دادرسی کیفری به دو دسته کلی تقسیم می شود :

الف) اصول راهبردی ناظر به حمایت از حقوق جامعه که عبارتند از : ۱ - اصل کشف حقیقت ۲- اصل سرعت در رسیدگی

ب) اصول راهبردی ناظر به حمایت از حقوق افراد که عبارتند از: ۱ - اصل برائت ۲ - اصل حقوق دفاعی

آئین دادرسی کیفری می بایست توازن بین حقوق جامعه از یک سو و حقوق افراد از سوی دیگر را برقرار کند .

بند دوم) راهبرد تحقق الگوی دادرسی منصفانه

می توان سازمانهای مردم نهاد را یکی از ساز و کارهای تحقق "الگوی دادرسی منصفانه " برشمرد : توضیح اینکه "هربرت پاکر " استاد حقوق کیفری دانشگاه استنفورد دو الگوی عمده در باره فرایند کیفری ، شناسایی کرده است که آنها را اصطلاحاً "الگوی کنترل جرم" و "الگوی دادرسی منصفانه " نامیده است . الگوی اول به مثابه چرخه ای است که هدف از طرح ان ، تسهیل برخورد با مجرمان و شدت برخورد با آنان است از این رو نظام عدالت کیفری منطبق با این الگو به جای توازن بخشی میان مصالح متهم و جامعه ، بیشتر دغدغه دستگیری ، محاکمه و سزا دادن بزه کاران را دارد اما در الگوی دوم بیشترین دغدغه کنشگران نهادهای عدالت کیفری ، دقت در تعقیب بزهکاران و رعایت حقوق متهمان است . به عقیده هربرت پاکر ، هدف عدالت کیفری برقراری انصاف و دادگری در تمام مراحل رسیدگی کیفری است . هنر و فن عدالت کیفری تعادل بخشی میان دو رسالت اصلی خود در قبال شهروندان است : تضمین عادلانه حقوق شهروندان در برخورداری از امنیت فراگیر در برابر مجرمان و تضمین واقعی حقوق انسانی و دفاعی شهروندان در مقابل کنشگران و نهادهای عدالت کیفری است . (قیانچی و دانش ناری ، ۱۳۹۱ ، صص ۱۶۸ - ۱۶۷) .

در خصوص اینکه " دادرسی منصفانه " چیست ؟ دو تعریف وجود دارد : تعریف موسع که معتقد است " دادرسی منصفانه " آن است که : حقوق دفاعی متهم رعایت شود مثل حق داشتن وکیل و غیرو و تعریف مضیق : " دادرسی منصفانه " را رعایت "اصل برابری سلاحها " می داند یعنی طرفین دعوی کیفری باید از امکانات مساوی برخوردار باشند ، اگر شاکی حق داشتن وکیل یا مطالعه پرونده را دارد متهم هم باید این حق را داشته باشد، اگر دادستان حق تقاضای هر گونه تحقیق و روشی را که به کشف حقیقت کمک می کند از باز پرس داشته باشد ، متهم هم باید در خصوص براءت خود این حق را داشته باشد به عبارتی دیگر مفهوم " اصل برابری سلاحها " یعنی : هیچ کسی نباید در دعوا در شرایطی قرار بگیرد که نسبت به موقعیت طرف دیگر از وضعیت نامناسبی برخوردار باشد(ساقیان ، ۱۳۸۵ ، ص ۷۹) . بنابراین اگر یکی از طرفین حقی داشت و طرف دیگر این حق را نداشت اصل برابری سلاحها نقض شده است و " اصل ترافعی بودن " یعنی : ارائه کلیه ادله موجود علیه متهم ، اطلاع یافتن از این ادله و آزادانه راجع به این ادله بحث و گفتگو کردن و اگر یکی از طرفین از این حق محروم شود " اصل ترافعی " بودن نقض شده است.

یکی از ابعاد مهم حقوق بشری که برای تمامی بزه دیدگان قابل اعمال است ، احترام به آنها در چارچوب رعایت معیارهای رفتار منصفانه است ، رعایت "معیارهای رفتار منصفانه " و دادرسی منصفانه " دو بعد مهم حقوق بشری این موضوع محسوب می شوند که اولی به رعایت حقوق بزه دیدگان و دومی به حقوق مجرمین و متهمان در فرایند کیفری اشاره می کنند ، حق بزه دیده بر بر امنیت خود و شهودش و اطلاع از حقوق خود در فرایند کیفری از جمله این حقوقند . (زینالی و مقدسی ، ۱۳۹۱ ، ص ۲۲۷)

پیش بینی مقررات جامع در جهت حمایت از بزه دیده در فرایند کیفری بسیار ضروری است ، مثلا در زمینه آگاه شدن بزه دیده از حقوق خود تبصره (۲) ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری اینگونه مقرر می دارد : " ضابطان دادگستری و مقامات قضایی مکلفند بزه دیدگان جرائم موضوع این ماده را از کمک سازمانهای مردم نهاد آگاه کنند ."

می توان گفت در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نسبت به قانون آئین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ اصول دادرسی منصفانه بیشتر رعایت شده است و مطرح شدن سازمانهای مردم نهاد در ماده ۶۶ همین قانون یکی از این جلوه هاست .

بند سوم (راهبرد تحقق سیاست جنایی مشارکتی

یکی دیگر از راهبردهای مقنن در قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مجازات اسلامی تحقق " سیاست جنایی مشارکتی " است. مطرح کردن سازمانهای مردم نهاد در قانون آیین دادرسی کیفری یکی از جلوه های سیاست جنایی مشارکتی است که علاوه بر جنبه حمایتی از بزه دیده بویژه بزه دیدگان خاص، نقش مهمی در تحقق حقوق شهروندی و پیشگیری از بزه دیدگی ثانوی ایفا می کنند ، مضافا به اینکه در حوزه هایی که مدعی العموم به سادگی نمی تواند به آنها ورود کند بحث تعقیب دچار مشکل می شود سازمانهای مردم نهاد که امروزه برخی آنان را " دادستان خصوصی " یا " شبه دادستان " می نامند در تعامل با دادستان قرار گرفته و سعی می کنند حامی حقوق جامعه و افراد باشند ، پس از نظر سیاست جنایی مشارکتی سازمانهای مردم نهاد می توانند نقش یار و دوست مدعی العموم را بازی کنند همچنان که می توانند نقش حمایتی نسبت به بزه دیده را داشته باشند.

اقای دکتر سید محمد حسینی در کتاب خود تحت عنوان سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران به نقل از استاد فرانسوی مادام دلماس مارتی سیاست جنایی را چنین تعریف می کند: "مجموعه روشهایی که بوسیله آن بدنه اجتماع (دولت و جامعه مدنی) پاسخ های خود را به پدیده مجرمانه سازمان دهی می کند." (حسینی، ۱۳۸۳، ص ۱۴).

تعریف فوق سیاست جنایی را در معنای موسع بیان می کند لیکن سیاست جنایی در معنای مضیق به "مجموعه روشهای سرکوب کننده که دولت بوسیله آن در مقابل جرم واکنش نشان می دهد" اطلاق می شود سیاست جنایی در معنای مضیق معادل حقوق کیفری است همانطور که ملاحظه می شود در سیاست جنایی به مفهوم مضیق بر عناصر (بزه، بزه کار، واکنش، دولت) تاکید شده است اما در سیاست جنایی به مفهوم موسع بر عناصر (مجموعه روشها، بدنه جامعه، پاسخ، پدیده مجرمانه) تاکید شده است. در واقع سیاست جنایی در معنای موسع یک رویکرد علمی، هنری، کاربردی، مدیریتی دارد بعبارت بهتر سیاست جنایی در معنای موسع راجع به "چه باید کرد" صحبت می کند.

سیاست جنایی خود به سیاست جنایی تقنینی، قضایی، اجرایی و مشارکتی تقسیم می شود. سیاست جنایی تقنینی عبارت است از: "چاره اندیشی قانونگذار در مورد جرم با توجه به وابستگی سیاست جنایی به نظام سیاسی هر کشور" و سیاست جنایی قضایی: "شامل آن سیاست جنایی می شود که در تصمیم ها و رویه های دادگاههای دادگستری منعکس است گفتمان تقنینی سیاست جنایی بطور کامل مورد تایید قوه قضائیه نیست و به صورتهای مختلفی درک و پذیرفته می شود که سیاست جنایی قضایی را شکل می دهد." و سیاست جنایی اجرایی: "سیاستی است که از سوی قوه مجریه بعنوان رکن اجرایی کشور برای تطبیق و اجرای سیاستهای جنایی

اتخاذ شده از سوی قوه مقننه در پیش گرفته می شود لذا سیاست قوه مجریه در زمینه کنترل جرم که ناظر بر چگونگی اجرای قوانین موجود است سیاست جنایی اجرایی را تشکیل می دهد." و سیاست جنایی مشارکتی: "بیانگر مشارکت مردم و نهادهای غیر رسمی و غیر دولتی چه در امر پیشگیری از جرم و چه در واکنش نسبت به جرایم و انحرافات اجتماعی است. (شیعه علی و زارع، ۱۳۹۴، ص ۲۹۱).

سیاست جنایی مشارکتی خود به دو نوع کنشی یا پیشگیرانه و واکنشی و پاسخگو تقسیم می شود در نوع اول که در جرم شناسی به ان پیشگیری اجتماعی گفته می شود قبل از ارتکاب جرم از دخالت مردم و نهادهای جامعه و ظرفیت آنها برای جلوگیری از ارتکاب جرم استفاده می شود و در نوع دوم بعد ارتکاب جرم از قابلیتها و توانایی های جامعه مدنی برای حل اختلافات استمداد می شود بعبارت بهتر اختلافی که بر خواسته از بطن جامعه است برای رسیدگی به همانجا ارجاع داده می شود (همان مرجع، ص ۲۹۳)

پیشتر جرم شناسان و صاحب نظران مسایل حقوق جزا متمرکز بر جرم و مجرم و مجازات بودند در نتیجه قربانی جرم که متضرر واقعی جرم بود و در واقع یکی از کنشگران مهم واقعه مجرمانه بود از نظر دور مانده بود بزه دیده شناسی که در دههای اخیر ظهور کرد سعی کرد هم نقش بزه دیده را در تکوین جرم و هم رابطه او را با جرم و مجرم بررسی کند (بزه دیده شناسی اولیه) و هم سعی بر آن داشت تا با ارائه کمک های مختلف به بزه دیده و حمایت از او وضعیت او را بهبود بخشد (بزه دیده شناسی ثانوی).

در واقع بزه دیده شناسی حمایتی بر این اندیشه استوار است که جامعه محلی و کل جامعه با مرکزیت نظام عدالت جنائی باید در تمام سطوح سیاست گذاری جنائی (تقنینی، قضایی، اجرائی و مشارکتی) توجه به حقوق مادی و معنوی بزه دیده را مد

نظر قرار دهد و طی تدابیر برنامه ریزی شده موقعیت حقوقی بزه دیده در فرایند کیفری مورد توجه قرار دهد و نیازهای بایسته وی مرتفع کند (ابراهیمی ، ۱۳۸۴ ، ص ۲۸۹) .

در عین حال که ممکن است بزه دیده در بروز جرم نقش داشته باشد در خصوص مبانی حمایت از بزه دیده نظرات متعددی مطرح شده که به شرح زیر می توان آنها را خلاصه نمود :

الف) مبنای ارزشی: دفاع و پاسداری از ارزشهای یک جامعه جزو رسالتهای حقوق جزا بلکه از اهداف سیاست جنائی آن جامعه است و از سوی دیگر حمایت از نیازمندان ،مظلومان و بالانخص بزه دیدگان که نوعا نیازمند نیز می باشند جزو ارزشهای جوامع به حساب می آید سیاست جنائی نمی تواند با بی تفاوتی از چنین مسئله مهمی بگذرد .(توجهی ،۱۳۷۸، ص ۲۹) .

نگاه اجمالی به آیات قران کریم اجازه می دهد در مقام حمایت از قربانی جرم به یک تقسیم بندی دست یافت این تقسیم بندی چهار امر را در بر می گیرد : ۱- حمایت امدادی ۲- حمایت سلبی ۳- حمایت حکمی ۴- حمایت معاوضی (سواد کوهی فر ، ۱۳۸۲ ، ص ۸)

ب) قصور دولتها : عده ای دیگر حمایت از بزه دیده را متأثر از ناتوانی دولتها در جلوگیری از بزهکاری می دانند به عبارتی دیگر دولتها موظفند در صدد جبران خساراتی باشند که بخشی از آن معلول کوتاهی و سستی های خود آنهاست .(توجهی ، ۱۳۷۸، ص ۳۰) .

ج) حل و فصل غیر قضایی: بی تردید طرح حمایت از بزه دیده از آنجا که زیر بنای انسانی و اخلاقی دارد قابل ستایش است و نیز تامین خسارت مجنی علیه و بالاتر از آن

مصالحه و فصل خصومت به طریق غیر قضائی از جمله میانجی گری و جبران دوستانه ضرر و زیان امری پسندیده به شمار می آید. (همان مرجع)

د) **تقلیل بزهکاری**: از یک طرف حمایت و تامین خسارت و تشفی خاطر بزه دیده او را از بزه دیدگی مکرر که معلول ضعف، انزوا، بیچارگی و بزه دیدگی نخست اوست مصون می دارد از سوی دیگر این حمایت مانع انتقامهای فردی و گسترش بزهکاری است. (همان مرجع ص ۳۱).

گفتار دوم: نقش سازمانهای مردم نهاد در فرایند کیفری:

هرچند سازمانهای مردم نهاد در حوزه های مختلف فعالیت می کنند لیکن در حوزه حقوق و در مسائل کیفری ظرفیت سازمانهای مردم نهاد در ایران پیشتر در امور پیشگیری از بزهکاری و کمک به اقشار آسیب پذیر همچون کودکان به کار رفته است.

سازمانهای غیر دولتی ابتدائاً در زمان قانون برنامه سوم توسعه نامبرده شده و در ان تمام نقشهای جامعه مدنی برای پیشگیری و جلوه مشارکت مدنی در پیشگیری از وقوع جرم برای سازمانها تدوین شده است (قربانیان و هراتیان نژادی، ۱۳۹۰- ص ۱۹۹)

بعبارتی دیگر تا کنون فعالیت این سازمانها در حوزه کنشی (Proactive) بوده (پیشگیری) حال آنکه در قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ حوزه فعالیت سازمان مردم نهاد به حوزه واکنش (Reactive) گسترش پیدا کرده است و از این حیث ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری یک تحولی در بحث مشارکت سازمانهای مردم نهاد در فرایند کیفری است. هر چند گفته می شود یکی از ویژگی های این ساز مانها "غیر سیاسی" بودن است یعنی اینها مستقیماً کار سیاسی نمی کنند لیکن در بلند مدت در تحولات سیاست جنایی مسلماً موثر خواهند بود^۱.

نقش سمن ها در فرایند کیفری را می توان در شقوق ذیل خلاصه نمود :

الف) سمن ها بعنوان شاکی یا اعلام کننده جرم : سازمانهای مردم نهاد می توانند بعنوان شاکی یا اعلام کننده جرم در فرایند کیفری مشارکت کنند ، و در این قسمت بعنوان " دادستان خصوصی " یا " شبه دادستان " عمل کرده و گام مهمی در برقراری امنیت و کمک به بزه دیدگان خاص داشته باشند هم چنین با امکاناتی که دارند می توانند نقش مهمی در انتشار اخبار مناسب مربوط به روال دادگاهها به افکار عمومی داشته باشند (مفاد ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری)

ب) سمن ها بعنوان یار یا دوست دادگاه : در مرحله رسیدگی تحت عنوان "دوستان دادگاه " و نه طرف دعوا با توجه به صلاحیت ، تجربه و تخصصی که دارند دیدگاههای خود را در اختیار دادگاه قرار دهند. (مفاد بند الف و بند پ ماده ۲۹ آئین نامه تشکل های مردم نهاد مصوب ۱۳۹۵)

ج) سمن ها بعنوان مشاور قربانی : اینکه در طول فرایند کیفری ، اقدامات مشاوره ای و امدادی مناسب را برای بزه دیدگان انجام دهند ، هم چنین دادن مشاوره حقوقی و غیرو ، حضور سمن ها در محل و ارتباط نزدیک با قربانیان این امکان را فراهم می کند تا نقص ها و کاستی های موجود لمس شود این اطلاعات می تواند در بهبود وضعیت و اجرای عدالت در مرحله دادرسی مفید باشد

.....
۱- مراجعه شود به ماده واحده اصلاحی
لایحه قانون راجع به تشکیل سازمان بهزیستی کشور مصوب ۱۳۵۹/۳/۲۴ هم
چنین مراجعه شود به لایحه پیشگیری از وقوع جرم در جلسه مورخ ۱۳۸۴/۵/۲
هیات وزیران به تصویب رسید مجلس شورای اسلامی نیز این لایحه ده ماده ای را

مورد بررسی قرار داد و به شورای محترم نگهبان ارسال نمود که شورای نگهبان نیز ده ایراد به این مصوبه گرفت و نهایتاً در اجرای اصل ۱۱۲ قانون اساسی به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاده شد این مرجع نیز نظرش را اعلام ننموده است نهایت اینکه در این لایحه به ایجاد زمینه های مناسب برای مشارکت نهادهای غیر دولتی اشاره شده است طبق ماده ۳ لایحه که وظایف شورای عالی پیشگیری را بیان نموده است در بند ۵ آن چنین بیان کرده است: " اتخاذ سیاست های لازم برای توسعه و گسترش فرهنگ پیشگیری و ایجاد زمینه های مناسب برای مشارکت سازمانهای غیر دولتی و مردمی در این زمینه ". هم چنین در ماده ۶ چنین آمده است: " وظایف شورای استانی پیشگیری از وقوع جرم به شرح زیر است: ... ۵ - بکار گیری و جلب مشارکت نهادهای غیر دولتی و مردمی در اجرای طرحها و برنامه های پیشگیری "

د) سمن ها بعنوان یاری گر مجرمان در جهت اصلاح و بهبود و نظارت بر تکالیف بار شده به مجرمان در بحث تعلیق مراقبتی و غیره: در نهایت در طول اجرای احکام ، یاری گر مجرمان باشند تا با اتخاذ تدابیر مناسب زمینه اصلاح و برگشت آنها به جامعه فراهم شود . و حتی بعد از خروج از زندان ، آنها می توانند به این اشخاص آسیب پذیر مدد رسانند (کوشکی ۱۳۹۲ ص ۶۸) (مفاد بند ب ماده ۲۹ آئین نامه تشکل های مردم نهاد مصوب ۱۳۹۵)

۴- جایگاه قانونی سازمانهای مردم نهاد در سیاست جنایی واکنشی ایران:

برای مشارکت سمن ها در فرایند کیفری (نظام های آئین دادرسی کیفری) چهار شکل متصور است:

الف- سمن بعنوان اعلام کننده یا شاکی جرم

ب- سمن بعنوان یار یا دوست دادگاه در جهت ارائه نظرات تخصصی

ج- سمن بعنوان مشاور قربانی^۱

د- سمن بعنوان یاری گر مجرمان در جهت اصلاح و بهبود (نظارت در مرحله اجرای احکام)

مسئله جایگاه شاکی و حقوقی که وی در فرایند کیفری دارد با اعلام کننده جرم متفاوت است همچنین جایگاه شاکی با مقام تعقیب (دادستان) متفاوت می باشد. در هر صورت جایگاه و سمت فردی که در فرایند کیفری یا مدنی شرکت می کند باید روشن باشد.

محدودیت ها برای طرح و اقامه دعوی در آئین دادرسی مدنی نسبت به آئین دادرسی کیفری بیشتر است چرا که در آئین دادرسی مدنی بحث حقوق خصوصی افراد مطرح می باشد و این حقوق متعلق به متضرر یا افراد می باشد و لذا در آئین دادرسی مدنی گفته می شود اقامه کننده دعوی باید ذینفع بوده و سمت او در دعوی باید معلوم باشد بعبارت دیگر ما در آئین دادرسی مدنی مفهوم اعلام کننده به شکلی که در ماده ۶۵ قانون آئین دادرسی کیفری مطرح است نداریم البته در جرایم قابل گذشت (حق الناس) به دلیل اینکه جنبه خصوصی جرم بر جنبه عمومی غلبه دارد شرایط مطرح شده برای طرح دعوی مدنی باید رعایت شود و اعلام کننده در اینگونه جرایم حقی برای اعلام جرم ندارد (ماده ۶۵ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۹۲) اما با توجه به اینکه دعوی

۱- چنانچه قرار باشد کمکی به بزه دیدگان شود شناسایی و ارزیابی نیازهای آنها واجد اهمیت است این وظیفه آسانی نیست چرا که افراد متفاوتند مگوایر (Maguire mikes 1985) تعدادی از این نیازها را شناسایی و معرفی کرده که قابل تلخیص در سه حوزه کلی هستند : اول) نیاز به اطلاعات (دوم) نیاز به مساعدت های خاص مثل برده به بیمارستان ، تعمیر اموال ، پر کردن فرم بیمه نامه و غیره سوم) نیاز به حمایت های عاطفی (برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به صفاری ، "حمایت از بزه دیدگان و نهادهای مردمی " ۱۳۸۳ ، تحقیقات حقوقی ، ش ۴۰، ص ۳۱۳ به بعد)

کیفری متعلق به جامعه می باشد و در صورت عدم طرح دعوی کیفری ، منافع عموم به خطر می افتد هر چند دادستان نماینده جامعه در طرح دعوی عمومی است لیکن با توجه به اینکه دادستان در همه عرصه ها نمی تواند از وقوع همه جرایم مطلع شود لذا در آئین دادرسی کیفری مفهوم اعلام کننده جرم در ماده ۶۵ مطرح شده و به عموم اشخاص اعم حقیقی و حقوقی اجازه داده شده تحت شرایطی اقدام به طرح و اقامه دعوی کیفری نمایند هرچند خود مجنی علیه جرم نباشند.

برخی اعتقاد دارند عبارات استفاده شده در ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری و تبصره های آن مثل " حق شرکت در کلیه مراحل دادرسی " و " حق اقامه دلیل در جرایم منافی عفت " قرینه قابل تاملی بر وجود " نفع حقوقی " برای سازمانهای مردم نهاد به عنوان ذینفع این دعاوی است از طرف دیگر این حق ذیل فصل سوم قانون آئین دادرسی کیفری تحت عنوان وظایف و اختیارات دادستان آمده است که در جای

خود بیانگر اعطای یک کار کرد و نقش شبه دادستانی به سازمانهای مردم نهاد می باشد (رمضان‌ی قوام آبادی ، ۱۳۹۰ ، ص ۲۲۲).

با توجه به مبانی مستحکم نظام عدالت ترمیمی ، امروزه به جای سعی در سزا دادن بزهکاران ، تلاش بر این است که خسارت بزه‌دیده جبران گردد به نحوی که امروزه رشته ای بنام بزه دیده شناسی حمایتی بوجود آمده است . بزه دیده شناسی حمایتی بر این اندیشه استوار است که جامعه محلی و کل جامعه با مرکزیت نظام عدالت جنایی باید در تمام سطوح سیاست گذاری جنایی (تقنینی ، قضایی ، اجرایی ، مشارکتی) توجه به حقوق مادی و معنوی بزه دیده را در نظر قرار دهد و طی تدابیر برنامه ریزی شده موقعیت حقوقی بزه دیده را در فرایند کیفری مورد توجه قرار دهد (ابراهیمی ، ۱۳۸۴ ، ص ۲۸۹) از طرف دیگر برای حفظ حقوق جامعه و برقراری نظم امنیت نهادی به نام نهاد دادرسی که در راس آن دادستان یا مدعی العموم قرار دارد ایجاد شده لیکن این مسئله را نمی توان فراموش کرد با توجه به گستردگی جرایم ، حضور نهادهای مردمی نقش بسزایی هم در جهت حمایت از بزه دیده و هم در جهت پیشگیری از جرایم و کشف و تعقیب آن می تواند ایفا کند بعبارت دیگر از آنجایی که سازمانهای مردم نهاد شناخت دقیق و همه جانبه ای از بخشهای اجرایی دارند به نحو دقیق تری می توانند در مسیر تامین امنیت کشور حرکت کنند به همین دلیل است در اکثر نظام های کیفری دنیا در کنار بزه دیده و دادستان ، سعی شده از اشخاص دیگری جهت کمک به بزه دیده و دادستان استفاده شود.

حال باید دید در قانون فعلی آئین دادرسی کیفری جایگاهی که مقنن برای سازمان های مردم نهاد بیان کرده چیست ؟ هر چند در لایحه آئین دادرسی کیفری و حتی در ماده ۶۶ آئین دادرسی کیفری قبل از اصلاحات سال ۶۴ با توجه به نقش هایی که مقنن برای سازمان های مردم نهاد در ماده ۶۶ مقرر نموده بود در واقع می توان گفت که

سازمان های مردم نهاد به منزله شاکی (نقش بینا بین شاکی و اعلام کننده) تلقی می شدند چرا که این سازمانها از اختیارات زیر برخوردار بودند:

الف - حق طرح و اقامه دعوی البته در جرایمی که مرتبط با زمینه های ذکر شده در ماده ۶۶ و مرتبط با اساسنامه این سازمانها باشد .

ب- در تمام جلسات دادرسی جهت اقامه دلیل شرکت کنند

ج- نسبت به آرا مراجع قضایی اعتراض نماید

لیکن در اصلاحات سال ۱۳۶۴ ماده ۶۶ اصلاح گردید و عبارت " جهت اقامه دلیل " و عبارت " می توانند نسبت به آرا قضایی اعتراض کنند " از صدر ماده حذف شد بعبارت دیگر هر چند قبل از اصلاحات سال ۶۴ مقنن در ماده ۶۶ اختیارات خوبی به سازمانهای مردم نهاد اعطا نموده بود لیکن باز هم مقنن در همان زمان احتیاط کرده و لفظ شاکی را برای این سازمان ها در متن ماده استفاده نکرده بود البته این احتیاط در اصلاحات سال ۶۴ بیشتر شده به نحوی که عبارتهای فوق الذکر از متن ماده ۶۶ حذف گردیده و به نظر اختیارات این سازمانها کمتر شده است حذف عبارتهای فوق از متن ماده ابهامات این ماده را در زمینه نقش این سازمانها در فرایند کیفری بیشتر نموده است سوال این است که آیا منظور مقنن از وضع ماده ۶۶ بویژه بعد از اصلاحات آن در سال ۱۳۶۴ این بوده که سازمانهای مردم نهاد را بعنوان "اعلام کننده جرم " مطرح نماید یا مراد مقنن از وضع ماده ۶۶ اعطای اختیارات بیشتری به اعلام کننده بوده و خواسته است که این سازمانها به " منزله شاکی " قلمداد شوند ؟ در پاسخ به سوال فوق می توان گفت با توجه به مقررات آئین دادرسی کیفری اعلام کننده جرم فرد ثالثی است که به صورت مستقیم بزه دیده جرم واقع نشده است و اگر جرم غیر قابل گذشت باشد تحت شرایط مقرر در ماده ۶۵ قانون آئین دادرسی کیفری می تواند اعلام جرم

کرده و دادستان موظف به تعقیب جرم خواهد بود با توجه به بند ب ماده ۶۴ قانون آئین داری کیفری که در مقام بیان جهات تعقیب است اعلام و اخبار ضابطان دادگستری، مقامات رسمی یا اشخاص موثق و مطمئن از جهات شروع به تعقیب محسوب شده و دادستان مکلف به تعقیب می باشد لذا تمامی شهروندان جامعه و تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی بعنوان اعلام کننده جرم می توانند در فرایند کیفری شرکت داشته باشند این موضوع در زمان حاکمیت قانون آئین داری کیفری مصوب ۱۳۷۸ نیز وجود داشت (بند ب ماده ۶۵ قانون آئین داری دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و بند ۲ ماده سه قانون احیا دادرها مصوب ۱۳۸۱). نهایت اینکه اعلام کننده جرم یا رسمی است یا غیر رسمی، اعلام کننده رسمی جرم مثل ضابطان دادگستری و اعلام کننده غیر رسمی جرم یا در قالب شخص حقیقی است که شامل کلیه شهروندان می شود و یا در قالب شخص حقوقی است که مصداق بارز آن همین سازمانهای مردم نهاد می باشد^۱ بنابر این در اینکه سازمانهای مردم نهاد می توانند اعلام کننده جرم باشند اختلافی نیست، حال سوال اینجا است که آیا می توان وصف شاکی را به سازمانهای مردم نهاد اعطا کرد؟ البته شناسایی وصف شاکی برای این سازمانها دارای آثار و نتایج متعددی است از جمله اینکه قاضی وظیفه دارد در تمام جلسات این سازمانها را دعوت نماید، این سازمانها می توانند به تمامی آراء و قرارهای مقام قضایی اعتراض کنند اینکه در مرحله تجدید نظر خواهی دارای حقوقی هستند، اینکه حق دسترسی به اوراق پرونده را دارند اینکه حق اقامه دلیل داشته باشند اینکه در تمام مراحل رسیدگی حق شرکت داشته باشند و غیره از نظر تطبیقی در قانون آئین داری کیفری فرانسه ذیل ماده ۲، نحوه مشارکت انجمن هایی که می توانند وارد فرایند کیفری شوند در چندین بند مشخص شده است و در خیلی از موارد حقوق شاکی به این انجمن ها واگذار شده است به دلایل ذیل می توان گفت مراد مقنن با تصویب ماده ۶۶ (هرچند این ماده اصلاح شده و برخی از اختیارات این سازمانها

حذف شد) برقراری جایگاهی فراتر از اعلام کننده جرم برای سازمانهای مردم نهاد بوده هر چند تمام حقوق شاکی را به آنها اعطا ننموده است:

۱- البته در یک تقسیم بندی دیگر اعلام کننده جرم به اعلام کننده اجباری و اعلام کننده اختیاری تقسیم می شود اعلام کننده اجباری مثل ماده ۶۶۰ قانون مجازات اسلامی و اعلام کننده اختیاری مثل اعلام جرم توسط همه شهروندان

۱- قبل از معرفی سمن ها در ماده ۶۶، سازمانهای مردم نهاد می توانستند به استناد بند ب ماده ۶۴ قانون آئین دادرسی کیفری اعلام جرم نمایند لذا اگر مراد مقنن از ماده ۶۶، صرفاً بیان جایگاه اعلام کنندگی جرم برای سمن ها بود نیازی به وضع ماده ۶۶ نبود بعارت دیگر اعلام کننده خاص نیاز به تصریح نداشت زیرا مقنن در بند ب ماده ۶۴ می گوید: "همه اشخاص (اعم از حقیقی و حقوقی) میتوانند با اعلام جرم در فرایند کیفری مشارکت کنند." پس مراد مقنن از وضع ماده ۶۶، بیان جایگاهی فراتر از اعلام کننده جرم برای سمن ها بوده است.

۲- با توجه به تبصره ۴ ذیل ماده ۶۶ که جایگاه سمن ها را در جرایم منافی عفت بیان می کند و مقرر می دارد که اعلام جرم توسط سمن ها در جرایم منافی عفت با رعایت شرایط ماده ۱۰۲ می باشد (شرایطی مثل اینکه دادسرا حق مداخله ندارد و این جرایم مستقیماً در دادگاه مطرح می شوند^۱ و تحقیق ممنوع است مگر اینکه جرم در منظر عام واقع شده می باشد یا دارای شاکی یا به عنف و غیره واقع شده باشد و نهایتاً پرده پوشی و غیر علنی بودن تحقیقات) و سمن ها می توانند در این جرایم اقامه دلیل کنند

وقتی مقنن در جرایم منافی عفت پذیرفته که در جریان دادرسی، سمن ها می توانند اقامه دلیل کنند پس در سایر جرایم به طریق اولی این حق را دارند پس علیرغم اینکه در صدر ماده عبارت " اقامه دلیل " حذف شده لیکن با توجه به تبصره ۴ ذیل ماده ۶۶ اقامه دلیل برای سمن ها پذیرفته شده است و این مورد هیچ خصوصیتی ندارد و بلکه در سیاست جنایی در جرایم منافی عفت تاکید بر بزه پوشی است ، لذا در سایر جرایم اقامه دلیل از سمن ها باید پذیرفته شود .

۳- آیا مراد مقنن از عبارت ".... سازمانهای مردم نهاد می توانند در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند " صرفا حضور بعنوان تماشاچی است ، مسلما پاسخ منفی است زیرا حضور سمن ها در مراحل دادرسی نیاز به تصریح نداشت زیرا طبق ماده ۳۵۲ قانون آئین دادرسی کیفری اصولا محاکمات علنی است و همه افراد حق حضور دارند بنابراین با وجود ماده ۳۵۲ عبارت ذکر شده در صدر ماده ۶۶ مبنی بر اینکه: " سمن ها حق شرکت در تمام مراحل دادرسی را دارند " بی معنی خواهد بود یعنی اگر منظور مقنن در ماده ۶۶ صرف شرکت بود همان ماده ۳۵۲ کفایت می کرد به نظر می رسد دادگاه و دادرسی می بایستی اظهارات کتبی و شفاهی این نهادها را ثبت و ضبط نموده و به آن ترتیب اثر بدهند و ضمنا عبارت فوق (در تمام مراحل دادرسی) دلالت بر این می کند که شرکت سمن ها از دادرسی شروع شده و تا دادگاه ادامه دارد.

۴- شاید بتوان گفت که حذف عبارت " حق اقامه دلیل " در صدر ماده ۶۶ به این علت بوده که وقتی فقط قید شود " شرکت در مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل " سمن ها هنگام شرکت در جلسات دادرسی فقط محدود به ارائه دلیل می باشند و اختیار دیگری ندارند ولی در حال حاضر با حذف این عبارت ، اختیارات سمن هنگام شرکت در دادرسی فقط محدود به اقامه دلیل نیست و اختیارات دیگری نیز دارند . مضافا به اینکه وقتی مقنن در ماده ۶۶ لفظ " شرکت " را بجای لفظ "حضور " استفاده کرده مراد مقنن این بوده که حضور سمن ها در دادرسی بعنوان تماشاچی نیست بلکه تمام

حقوق شاکی را دارند از جمله حق اعتراض ، بعبارت دیگر اذن در شیء اذن در لوازم آن نیز می باشد یعنی وقتی مقنن از کلمه "شرکت" استفاده کرده این کلمه یک بار حقوقی دارد و لذا تمام اختیارات از جمله حق اعتراض از این کلمه استفاده می شود.

۱- ماده ۳۰۶ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲

۵- در خصوص اینکه چرا حق اعتراض از سمن ها گرفته شده است شاید بتوان گفت اعتراض به آراء دادگاهها از جنبه عمومی را اگر یک اقدام تعقیبی بدانیم در صلاحیت دادستان خواهد بود نه شاکی ، زیرا در بند ج تبصره ۵ ماده ۲۰ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب آمده بود که : " مدعی خصوصی یا نماینده قانونی وی از جهت ضرر و زیان می تواند نسبت به رای دادگاه کیفری استان اعتراض کند . " بنابراین اگر حق اعتراض برای نهادهای مردم نهاد در صدر ماده ۶۶ حذف شده شاید بخاطر این موضوع بوده که این نهاد ها در امر تعقیب دخالت نداشته باشند به هر صورت هر نهاد نوپایی با یکسری مخالفتها روبرو می شود و دادستان هم رقیب را بر نمی تابد هر چند سمن هائی می توانند یاری گر دادستان عمومی باشند در نهایت شاید بتوان گفت که سمن ها این اختیار را دارند که نسبت به آراء دادگاهها از حیث ضرر و زیان اعتراض نمایند چون این جنبه متعلق به شاکی می باشد برخی عقیده دارند با توجه به لحن مقنن در ماده ۶۶ قانون جدید آئین دادرسی کیفری برداشت می شود که اختیارات ذکر شده برای سازمانهای مردم نهاد جنبه حصری دارد و نمی توان خارج از این موارد اختیار دیگری برای این سازمانها در نظر گرفت (کوشکی ، ۱۳۹۲ ص ۷۵)

۶- از مفاد تبصره ۲ ذیل ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری که مقرر می دارد : "ضابطان دادگستری و مقامات قضایی مکلفند بزه دیدگان جرایم موضوع این ماده را از

کمک سازمان های مردم نهاد مربوط آگاه کنند". چنین برداشت می شود نقش سازمانهای مردم نهاد صرفا اعلام جرم نیست زیرا اگر نقش سازمان های مردم نهاد محدود به اعلام جرم بود این موضوع نیازی به اطلاع رسانی نداشت پس نتیجه می گیریم که کمک هایی که سازمان های مردم نهاد به بزه دیدگان می توانند بکنند فراتر از اعلام جرم است به همین خاطر در تبصره فوق مقرر نموده که ضابطان مکلفند بزه دیدگان را از این موضوع مطلع نمایند.

نقش دیگری که در فرایند کیفری می توان برای سازمانهای مردم نهاد در نظر گرفت، نقش قیمومت برای اشخاص محجور می باشد هر چند ممکن است گفته شود که قیمومت و اختیارات و وظایف ناشی از آن اموری است که به اشخاص حقیقی وابسته است و اشخاص حقوقی نمی توانند به این سمت دست پیدا کنند، البته چون بیشتر وظایف قیم ناظر به اداره اموال مولی علیه است ممکن است قیمومت را به یک شخص حقوقی واگذار نمود (کوشکی ۱۳۹۲ ص ۷۷)

۵- شرایط مداخله سازمان های مردم نهاد در فرایند کیفری

اگر سازمان های مردم نهاد بخواهند به استناد بند ب ماده ۶۴ قانون آئین دادرسی کیفری (اعلام و اخبار اشخاص موثق و مطمئن) یعنی بعنوان اعلام کننده عام در فرایند کیفری وارد شوند می بایست شرایط مقرر در ماده ۶۵ و بند ب ماده ۶۴ قانون آئین دادرسی کیفری را داشته باشند یعنی:

۱-۵- این نهادها مورد وثوق و اطمینان باشند (بند ب ماده ۶۴)

۲-۵- جرم غیر قابل گذشت باشد

۳-۵- اعلام کننده شاهد وقوع جرم باشد

۴-۵ - اگر اعلام کننده شاهد وقوع جرم نباشد در دو صورت می توان شروع به تعقیب نمود الف : دلیل بر صحت ادعا وجود داشته باشد ب- یا جرم از جرایم علیه امنیت داخل یا خارجی باشد.

۵ - قرائن و امارتی مبنی بر نادرستی اظهارات وی وجود نداشته باشد .

لیکن اگر این سازمان ها بخواهند در قالب ماده ۶۶ وارد فرایند کیفری شوند (که به نظر اختیارات بیشتری نسبت به اعلام کننده صرف دارند) . اولین سوال این است که آیا سازمانهای مردم نهاد محدودیت های ماده ۶۵ را که برای اعلام کننده عام در نظر گرفته شده بایستی رعایت کنند ؟ و دومین سوال این است که برای اینکه سازمانها مردم نهاد بتوانند طبق ماده ۶۶ وارد فرایند کیفری شوند چه شرایطی لازم است ؟ در پاسخ این سوال که شرایط شرکت در فرایند کیفری طبق ماده ۶۶ چیست باید گفت که مقنن شرایطی را در این ماده و ۴ تبصره آن مقرر نموده و از این شرایط استنباط می شود که هر سازمان مردم نهادی نمی تواند به شرح این ماده اقدام کند . این شرایط به شرح ذیل می باشد:

۱- اولین شرط برای اینکه سازمانهای مردم نهاد بتوانند در فرایند کیفری مشارکت نمایند می بایست علاوه بر اجازه تاسیس (طبق تبصره یک ماده ۱۴ آئین نامه تشکل های مردم نهاد مصوب ۱۳۹۵) طبق ماده ۲۹ این آئین نامه پروانه فعالیت ، کسب و آن را به ثبت رسانده باشند تا نهایتا دارای حقوق مندرج در ماده ۲۹ این نامه فوق الذکر شوند .

۲- به موجب اساسنامه در یکی از موضوع های مقرر در ماده ۶۶ اجازه فعالیت داشته باشند و در همان حوزه مربوطه مداخله نمایند این زمینه ها حصری هستند نه تمثیلی و این زمینها دو دسته جرایم را پوشش می دهد یکی جرایم بدون بزه دیده ، مثل جرایم

علیه محیط زیست و دیگری جرایم با بزه دیدگان خاص، مثل کودکان و زنان می باشد (طهماسبی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۰)

۳- به موجب تبصره ۳ ذیل ماده ۶۶ اسامی سازمان های مردم نهادی که می توانند در اجرای این ماده اقدام کنند در سه ماهه ابتدای هر سال توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور تهیه می شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد

۴- طبق تبصره (۱) ماده ۱۶۶ اگر جرم دارای بزه دیده خاص می باشد کسب رضایت وی جهت اقدام ضروری است و اگر بزه دیده، طفل، مجنون، یا در جرایم مالی سفیه باشد، رضایت ولی، قیم یا سرپرست قانونی او باید اخذ شود، و اگر قیم یا سرپرست قانونی خود مرتکب جرم شده باشد، سازمانهای مذکور با اخذ رضایت قیم اتفاقی یا تایید دادستان اقدامات لازم را انجام می دهند.

شرط مذکور در تبصره (۱) ماده ۶۶ این سوال را مطرح می کند که آیا کسب رضایت بزه دیده یا قیم یا سرپرست یا قیم اتفاقی، هم در جرائم قابل گذشت و هم در جرائم غیر قابل گذشت برای اقدامات سازمانهای مردم نهاد ضروری است؟ در پاسخ باید گفت مسلماً کسب اجازه و رضایت در جرائم قابل گذشت با تصریح ماده ۷۰ و ۷۱ برای اقدامات نهادهای مردم نهاد ضروری است و در جرایم غیر قابل گذشت که جنبه عمومی بر جنبه خصوصی غلبه دارد برای اعلام کننده عام (بند ب ماده ۶۴) نه تنها ضروری نیست بلکه طبق اصول و قواعد کلی، جرائم غیر قابل گذشت جرایمی هستند که برای تعقیب آنها اجازه شاکی نیاز نیست و گذشت شاکی موجب موقوفی تعقیب نمی شود. اما بحث تشریفات ماده ۶۶ متفاوت است زیرا سازمانهای مردم نهاد فقط اعلام کننده صرف نیستند و در واقع "به منزله شاکی" تلقی می شوند و نوعی همراهی با بزه دیده در فرایند کیفری دارند و اگر فلسفه و مبنای ماده ۶۶ را حمایت از بزه دیده بدانیم پس لاجرم می باست این سازمانها برای همراهی و حمایت خود،

رضایت بزه دیده حتی در جرایم غیر قابل گذشت کسب کنند. (کوشکی، ۱۳۹۲، ص ۸۲)

۵- سازمان های مردم نهاد طبق تبصره ۴ ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری در جرایم منافی عفت اولاً بایستی با رعایت شرایط ماده ۱۰۲ و تبصره های آن اقدامات خود را انجام دهند (علنی نکردن موضوع، پرده پوشی، عدم مداخله دادسرا و اگر جرم مشهود عام باشد یا دارای شاکی به عنف باشد یا سازمان یافته باشد) ضمناً در این جرایم سازمانهای مردم نهاد حق شرکت در جلسات را ندارند.

۶- ابهامات و اشکالات ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری و ۴ تبصره آن

ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری و ۴ تبصره آن یکی از ساز و کارهای مهم برای تحقق سیاست جنایی مشارکتی می باشد لیکن با توجه به اینکه استفاده از تشکل های مردمی برای اولین بار در قانون آئین دادرسی ۱۳۹۲ استفاده گردیده و به عبارت دیگر این نهاد یک نهاد نوپا محسوب می شود مسلماً در حوزه تقنین این نهادها دچار اشکالاتی هستند خصوصاً آنکه با اصلاحاتی که مقنن در سال ۱۳۹۴ و قبل از اجرایی شدن قانون آئین دادرسی کیفری در زمینه ماده ۶۶ انجام داد و عباراتی را از این ماده حذف نمود اشکالات و ابهامات این ماده بیشتر گردید. در ذیل سعی می شود به ابهامات و اشکالات ماده ۶۶ و ۴ تبصره آن پرداخته شود:

۶-۱- قانونگذار مصادیق مندرج در صدر ماده ۶۶ را بصورت حصری استفاده کرده نه تمثیلی، محصور کردن حضور سمن ها در فرایند کیفری نسبت به جرایم ارتكابی در زمینه های ذکر شده در صدر ماده ۶۶ که مجموعاً ۸ مورد می باشند (اطفال و نوجوانان - زنان - اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی - محیط زیست - منابع طبیعی - میراث فرهنگی - بهداشت عمومی - حمایت از حقوق شهروندی) با توجه به اینکه مبنای حضور سازمانهای مردم نهاد در فرایند کیفری هم حمایت از حقوق بزه

دیدگان (بویژه بزهدیدگان خاص) و هم حمایت از منافع عمومی و حمایت از دادستان رسمی یا همان دادستان عمومی است باعث می شود که سمن ها نتوانند نسبت به جرایمی که در زمینه های دیگر به بزه دیدگان خاص آسیب میزند یا جرایم دیگری که از نظر دادستان مغفول واقع می شود دادخواهی کرده و نقش حمایتی خود را ایفا نماید از نظر تطبیقی قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه در ماده ۲ قانون آئین دادرسی این کشور زمینه های گسترده تری را از جمله مبارزه با تبعیض نژادی و کمک به بزه دیدگان تبعیض، خشونت های جنسی و خانوادگی، جنایات علیه بشریت یا جنایت جنگی، جرایم جاده ای، حمایت از حیوانات، حمایت از زبان فرانسه، اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، حمایت از حقوق و آزادی های فردی و جمعی، حمایت از قربانیان ناشی از حوادث کار و بیماری های شغلی، حمایت از آثار باستانی، حمایت از منافع جمعی بنگاه ها و حقوق بگیران، مبارزه با تجارت انسان و برده داری و نیز مبارزه با فساد و امثال آنان جهت حضور انجمن ها یا همان سازمانهای مردم نهاد جهت مشارکت در فرایند کیفری مقرر نموده است. (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۴ صص ۵۶۲)

۶-۲- یکی از اشکالات تبصره ۳ ذیل ماده ۶۶ و حتی آئین نامه تشکل های مردم نهاد مصوب ۱۳۹۵ این است که شرایط و ویژگی های لازم برای مشارکت سازمان های غیر دولتی را در فرایند مشخص نکرده است. این موضوع موجب عدم حاکمیت قانون و برخورد سلیقه ایی با این مسئله می شود از نظر تطبیقی در ماده ۲ قانون آئین دادرسی فرانسه یکی از شروط مقدماتی برای شرکت در فرایند کیفری توسط انجمن ها، داشتن سابقه حداقل دو یا سه یا پنج سال فعالیت مستمر می باشد یعنی با گذشت این مدت توانایی و اهلیت لازم به منظور حضور در فرایند کیفری برای سمن ها مشخص می شود (کوشکی، ۱۳۹۲، ص ۷۹) در حالیکه نه در ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری و نه در آئین نامه تشکل های مردم نهاد مصوبه ۹۵/۶/۱۳ مشارکت در فرایند داری را برای سازمان های مردم نهاد مقید به دوره زمانی خاصی نشده است لذا برداشت می

شود که نهادهای مردم نهاد با هر سابقه فعالیتی میتوانند در جرایمی مختلفی که قانون به آنها اجازه داده مداخله نموده این موضوع با توجه به متفاوت بودن عرصه های مختلفی که ماده ۶۶ اجازه مشارکت سازمانهای مردم نهاد در آن داده شده و با توجه به نوپا بودن این سازمانها و عدم تجربه این سازمانها و همچنین با توجه به مفاده تبصره ۴ ماده ۶۶ در بحث جرایم منافی عفت که مقنن اصول خاصی را برای مداخله سازمانهای مردم نهاد قائل شده سازگاری ندارد.

۳-۶- اشکال دیگر از حیث عدم تعیین نقش و سمت این سازمانها جهت شرکت در فرایند کیفری است توضیح اینکه مقنن در ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری از عبارتهای (اعلام جرم - شرکت در تمام مراحل دادرسی - اقامه دلیل در جرایم منافی عفت) و در ماده ۲۹ آئین نامه تشکل های مردم نهاد از کلمه (دادخواهی) استفاده نموده است . نهایت اینکه معلوم نیست آیا نقش این ساز مانها صرفا اعلام کننده جرم بوده یا می توان نقش شاکی را برای آنان قائل شد به نظر می رسد مراد مقنن اعطای نقش بینابین اعلام کننده و شاکی به این سازمانها بوده است . در هر صورت بجای استفاده کلمات کلی مثل " دادخواهی" و " شرکت " اگر صراحتا برخی از حقوق شاکی را مثل قانون فرانسه به این سازمانها می داد بهتر بود .

۴-۶- اشکال دیگر از حیث نحوه مشارکت می باشد به این معنی که اگر این سازمانها در تمام مراحل دادرسی حق شرکت دارند و تمام مراحل دادرسی هم شامل دادرسی و هم دادگاه می شود با توجه به حاکم بودن سیستم تفتیشیه در دادرسی نحوه مداخله و شرکت این سازمانها در دادرسی چگونه خواهد بود ؟ همچنین در بحث شرکت در مرحله دادرسی در دادگاه آیا منظور از شرکت، صرف حضور است ؟ یا اینکه دادگاه باید گفته های کتبی و شفاهی آنها را ثبت و ضبط کرده و به ان ترتیب اثر دهد ؟ آیا دادگاه ملزم به دعوت این سازمانها در جلسه دادرسی می باشد یا خیر ؟ هم چنین آیا این سازمانها می بایستی شرایط مذکور در ماده ۶۵ قانون آئین دادرسی کیفری را که

مقنن برای اعلام کننده جرم برشمرده است از جمله اینکه اعلام کننده شاهد وقوع جرم باشد و غیرو را رعایت کنند یا خیر؟ هم چنین در تبصره یک ماده ۶۶ مقرر شده است که اگر جرم واقع شده دارای بزه دیده خاص می باشد کسب رضایت وی جهت اقدام ضروری است حال سوال اینجا است که این کسب رضایت هم در جرایم قابل گذشت و هم جرایم غیر قابل گذشت باید اخذ شود؟ و اگر پاسخ مثبت است تحلیل آن چیست؟

۵-۶- یکی از ویژگی های تشکل های مردم نهاد ، همانگونه که در تبصره ذیل ماده یک آئین نامه تشکل های مردم نهاد آمده است "غیر دولتی بودن" این نهادها است منظور از غیر دولتی بودن طبق همین تبصره ، عدم وابستگی به دولت و نهادهای حاکمیتی و عدم دخالت دولت و نهادهای حاکمیتی در تاسیس ، اداره و استمرار و همچنین عدم فعالیت مقامات و مسئولان و کارکنان دولتی و نهادهای حاکمیتی با استفاده از جایگاه حقوق فرد بعنوان موسس یا عضو است از طرف دیگر در تبصره ۳ ماده ۶۶ قانون آئین داری کیفری اعلام شده است: "اسامی سازمانهای مردم نهادی که می توانند در اجرای این ماده اقدام کنند در سه ماهه ابتدای هر سال توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور تهیه می شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می رسد." مسلما اعلام اسامی این نهادها توسط وزیر دادگستری و وزیر کشور و تصویب رئیس قوه قضائیه که تماما جزو مسئولان حکومتی هستند با خصیصه غیر دولتی بودن این نهادها مغایرت دارد. به عبارتی دیگر شکل گیری سازمانهای غیر دولتی در راستای تحقق بخشیدن به حقوق شهروندی و حمایت از مطالبات قانونی آنها و نیز نیازهای جوامع بشری است ، تحقق این هدف دارای الزاماتی است که از جمله مهم ترین آنها حفظ استقلال این موسسات می باشد شیوه تاسیس ، نظارت و انحلال این سازمانها و میزان دخالت و ورود دولت در هر کدام از این مراحل می تواند بیانگر میزان استقلال این نهادهای مدنی باشد در خصوص انتظام امور سازمانهای غیر دولتی سه الگوی

پیشگیرانه از نوع اجازه قبلی، پیشگیرانه از قسم اعلام قبلی و نظام تعقیبی قابل تصور است که کشور ایران از نظام پیشگیرانه از نوع اجازه قبلی و فرانسه از نظام پیشگیرانه از قسم اعلام قبلی و سوئیس از نظام تعقیبی تبعیت می کند (راعی و عطریان، ۱۳۹۳، ص ۳۷۹).

در نظام پیشگیرانه از نوع اجازه قبلی شروع فعالیت اشخاص مشروط به انجام اقداماتی است که از سوی قانونگذار مشخص شده است یعنی مقام یا دستگاه اداری مربوطه پس از مطالعه و بررسی موضوع درخواست شده با در نظر گرفتن موازین قانونی و مصلحت عمومی مبادرت به صدور مجوز می کند و یا از صدور آن خودداری می کند (طباطبایی موتمنی، ۱۳۹۰، ص ۲۵۹) این شیوه جامعه را به سوی یک نظام هدایت شده سوق می دهد و ممکن است بستر سوء استفاده نیز فراهم گردد به این ترتیب که مقام یا دستگاه اداری ذیصلاح، شیوه تبعیض آمیزی را در پیش گیرد و صرفاً برای وفاداران و طرفداران خود مبادرت به صدور مجوز نماید و از صدور پروانه برای دیگران خصوصاً ساز مانهایی که حامی حقوق شهروندان بوده و منتقد حکومت می باشند خودداری کند.^۱

.....

.....

۱- در ماده ۱۴ آئین نامه تشکل های مردم نهاد و تبصره ذیل آن و ماده ۲۹ این آئین نامه صحبت از اجازه تاسیس و همچنین برنامه فعالیت و به ثبت رسانیدن این سازمانها شده است بعبارتی دیگر طبق ماده ۲۹ آئین نامه ، تشکل ها پس از دریافت پروانه فعالیت و ثبت آن ، از حقوق مصرحه در این ماده برخوردار می شوند. همچنین طبق مواد ۸ و ۹ و ۱۲ آئین نامه ، تشکل های مردم نهاد اجازه تا سیس و صدور پروانه فعالیت و نظارت بر فعالیت سازمانهای مردم نهاد به ترتیب در اختیار شورای ملی و شورای استانی و شورای شهرستانی است که متشکل از چندین عضو حکومتی و فقط چند نماینده منتخب از تشکل های مردم نهاد می باشد همچنین طبق ماده ۳۴ آئین نامه تشکل های مردم نهاد ، درخواست انحلال تشکل متخلف توسط شورای ملی از دادگاه صالح ، صورت می گیرد .

۷- نتیجه گیری

یکی از ارکان اصلی حکومت دموکراسی ، مشارکت فعال مردم در تصمیم گیری و اداره کشور می باشد ، لیکن مردم مستقیما و بدون ایجاد تشکل های مدنی (به دلایل مختلف از جمله ضعف و ناتوانی و دسترسی نداشتن به مقامات حکومتی و یا نداشتن اطلاعات لازم) قادر به مشارکت در اداره کشور نیستند . بنا براین امروزه سازمانهای غیر دولتی یا سمن ها یکی از بازیگران مهم عرصه داخلی و بین المللی محسوب می شوند ، دولتها نیز دریافته اند که ظرفیت های مردمی نقش بارزی در

توسعه پایدار ایفا می کنند لذا همکاری دولتها و سازمانهای مردم نهاد می تواند تضمین کننده توسعه پایدار در زمینه های مختلف باشد .

مشارکت سازمانهای مردم نهاد در فرایند کیفری در نظام حقوقی ایران هر چند در حال حاضر یک نو آوری محسوب می شود لیکن می توان گفت پذیرش مشارکت این سازمانها در فرایند کیفری گام مهمی برای تحقق حقوق بزه دیده و تحقق اصل کشف جرم با توجه به الگوی نظام عدالت ترمیمی است .

علاوه بر ماده ۶۶ قانون آئین دادرسی کیفری که در مبحث " تعقیب دعوی عمومی " آمده از مجموع مواد آئین دادرسی کیفری می توان دریافت که مراد مقنن از معرفی و مشارکت سمن ها در فرایند کیفری علاوه بر تحقق سیاست جنایی مشارکتی (هم در جنبه کنشی و هم در جنبه واکنشی آن) ، تحقق "اصول دادرسی منصفانه" و هم چنین تحقق اصل کشف حقیقت (که از اصول راهبردی حمایت از حقوق جامعه می باشد) هم چنین اصل حقوق دفاعی (که از اصول راهبردی حمایت از حقوق افراد محسوب می شود) می باشد. برای اینکه سازمانهای مردم نهاد بتوانند رسالت خود را محقق سازند باید بتوانند حقوق بزه دیده را هم در مرحله " شناسایی " (برای پذیرش بزه دیده در نظام عدالت کیفری جهت احقاق حق وی) و هم در مرحله "همراهی و حمایت " (برای آگاهی از فرایند کیفری و تضمین امنیت وی در این مسیر) هم در مرحله "جبران خسارت " (برای ترمیم و جبران آسیب ها و خسارتهای وارده بر وی برای پیشگیری از بزه دیدگی و ناملایمت ثانوی و حفظ کرامت و ارزش انسانی وی) شناسایی کرده و به نحو مطلوب نقش خود را در هر سه زمینه ایفا کنند .

برای مشارکت بهتر سازمانهای مردم نهاد در فرایند کیفری صرف ماده ۶۶ و آئین نامه آن و برخی مقررات پراکنده مربوط به مشارکت سازمانهای غیر دولتی وافی به مقصود نبوده وجود یک قانون مستقل و جامع که شرایط تاسیس و فعالیت سمن ها

بویژه در خصوص مشارکت واکنشی این سازمانها را تسهیل کند لازم و ضروری است زیرا برنامه های پیشگیری و واکنشی در فرایند کیفی به طور کلی در بستری کاملا رسمی و دولتی شکل گرفته و جایگاه مناسبی برای سازمانهای غیر دولتی در نظر گرفته نشده است و از طرف دیگر برگزاری دوره های آموزشی لازم برای سمن ها جهت شکل گیری سیاست جنایی مشارکتی ضروری به نظر می رسد مضافا اینکه مطالعه تطبیقی و استفاده از رهیافت های نظامهای دیگر کشورها ، نقاط قوت و ضعف یک نهاد حقوقی را مشخص می کند و میتواند کمک شایانی به قانونگذار برای اصلاح و کامل کردن مقررات موجود نماید

فهرست منابع

- ۱- ابراهیمی، پیمان (پاییز و زمستان ۱۳۸۴) "بزه دیده به منزله شاکی و حقوق او در مقررات دادرسی کیفری ایران" مجله حقوقی دادگستری، قوه قضاییه، ش ۵۲ و ۵۳ - صص ۲۸۷ تا ۳۲۴
- ۲- امیر کواسمی، ایوب (بهار ۱۳۸۸) - "علل رشد فزاینده سازمانهای غیر دولتی" سیاست خارجی - وزارت امور خارجه - ش ۸۸ صص ۱۷۵ تا ۲۰۰
- ۳- بیگ زاده، ابراهیم (پاییز و زمستان ۱۳۷۴) "تاثیر سازمانهای غیر دولتی در شکل گیری و اجرای قواعد بین المللی" مجله تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی - ش ۱۵، صص ۳۲۲ تا ۲۹۳
- ۴- توجهی، عبدالعلی، (زمستان ۱۳۷۸) "سیاست جنایی حمایت از بزه دیدگان" مجله مجتمع آموزشی عالی قم، ش ۴، صص ۲۷ تا ۴۶.
- ۵- حسینی، سید محمد (۱۳۸۳) سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران - انتشارات سمت (موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران و سازمان مطالعه و تدوین کتب انسانی و دانشگاهها) - تهران
- ۶- دهستانی اسفند آبادی، حسین (۱۹ خرداد ۱۳۸۶) "همکاری دولت و سازمانهای مردم نهاد در توسعه" برنامه - معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری، ش ۲۱۸ - صص ۱۸ تا ۲۱
- ۷- راعی، مسعود و عطریان، فرامرز (پاییز و زمستان ۱۳۹۳) "استقلال سازمانهای غیر دولتی در نظام حقوقی ایران، فرانسه و سوئیس" مطالعات حقوق تطبیقی - موسسه حقوق تطبیق دانشگاه تهران - دوره ۵ ش ۲ صص ۳۷۹ تا ۴۰۰

- ۸- رضانی قوام آبادی ، محمد حسین (پاییز ۱۳۹۰) " پیشگیری و سر کوب جرایم زیست محیطی در پرتو اقدامات سازمانهای غیر دولتی در نظام حقوقی ایران " ، مجله حقوقی دادگستری ، قوه قضائیه ش ۷۵ ، صص ۱۹۹ تا ۲۲۶ .
- ۹- رضانی قوام آبادی ، محمد حسین (پاییز و زمستان ۱۳۹۴) " مطالعه تطبیقی وضعیت حقوقی سازمانهای مردم نهاد در ایران و فرانسه ، از تاسیس تا فعالیت " مطالعات حقوق تطبیقی- موسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران ، ش ۱۰ ، صص ۵۴۱ تا ۵۶۸
- ۱۰- زینالی ، امیر و مقدسی ، محمد باقر (بهار ۱۳۹۱) " حق بزه دیده بر امنیت و اطلاع رسانی در فرایند کیفری " تحقیقات حقوقی - دانشگاه شهید بهشتی ، ش ۵۷ - صص ۲۲۷ تا ۲۷۲
- ۱۱- ساقیان ، محمد مهدی (پاییز و زمستان ۱۳۸۵) " اصل برابری سلاحها در فرایند کیفری با تکیه بر حقوق فرانسه و ایران " مجله حقوقی دادگستری ، قوه قضائیه - ش ۵۶ و ۵۷ - صص ۷۹ تا ۱۱۰
- ۱۲- سواد کوهی فر ، سام (خرداد و تیر ۱۳۸۲) - " حمایت از قربانی جرم در فرایند دادرسی کیفری " دادرسی ، سازمان قضایی نیروهای مسلح ، ش ۳۸ صص ۷ تا ۱۲
- ۱۳- شیعه علی ، علی و زارع ، وحید و زارع ، مجتبی - (پاییز و زمستان ۱۳۹۴) - " جایگاه سیاست جنایی مشارکتی واکنشی در مرحله تعقیب کیفری در حقوق ایران " مطالعات حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه تهران ، دانشکده حقوق و علوم سیاسی - دوره ۲ ش ۵ - صص ۲۸۷ تا ۳۱۰
- ۱۴- طباطبائی مومنی ، منوچهر (۱۳۹۰) ، حقوق اداری ، چاپ شانزدهم ، تهران ، سمت
- ۱۵- طهماسبی ، جواد (پاییز ۱۳۹۴) آئین دادرسی کیفری ج اول - تهران بنیاد حقوق میزان

- ۱۶- قبانچی، حسام و دانش ناری، حمید رضا (پاییز و زمستان ۱۳۹۱) "الگوهای دوگانه فرایند کیفری" کنترل جرم " و "دادرسی منصفانه" آموزه های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی - سال دوم، ش ۴ صص ۱۶۷ تا ۱۸۴
- ۱۷- قربانیان، حسین و هراتیان نژادی، مجید (اردیبهشت ۱۳۹۰) "نقش نهادها و سازمانهای دولتی و غیر دولتی در پیشگیری از وقوع جرم" ماهنامه کانون - کانون سر دفتران و دفتر یاران، ش ۱۱۶ صص ۱۸۹ تا ۲۰۱
- ۱۸- قلیجایی، لیلا (تابستان ۱۳۹۰) "نقش سازمانهای غیر دولتی در مشارکت اجتماعی" پژوهش نامه صاحب امتیاز: تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام - ش ۷۳، صص ۱۳۱ تا ۱۴۶.
- ۱۹- کاترین، اس، ویلیام (پاییز و زمستان ۱۳۸۳) - "حمایت از بزه دیده و نهادهای مردمی" ترجمه علی صفاری. مجله تحقیقات حقوقی - دانشگاه شهید بهشتی، ش ۴۰
- ۲۰- کوشکی، غلام حسن (پاییز ۱۳۹۲) "سازمانهای غیر دولتی: از انفعال تا مشارکت رو به فعال در تعقیب دعوی عمومی (با نگاهی به قانون آئین دادرسی کیفری)" پژوهشی حقوق کیفری - دانشکاه علامه طباطبایی - ش ۴ صص ۶۵ تا ۸۶